

الگوی سبک زندگی (یار نوازی در نامه عاشقانه) سردار شهید حاج قاسم سلیمانی

فروغ ابراهیمی^۱، دکتر هوشمند اسفندیار پور^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد بردسیر

۲- استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد بردسیر

چکیده

یارنوازی از روزگاری دور، در حیطه مباحث اخلاقی مورد عنایت همه پاک سرشتان بوده است. دین مبین اسلام نیز به این بحث اخلاقی توجه خاص دارد و در قرآن بارها به آن اشاره شده است. امیر المومنین (ع) نیز در نهج البلاغه در این باب بیاناتی داشته اند. که همه موارد اخلاقی در سبک زندگی مداخله مستقیم دارد. در این میان شهید سلیمانی اخلاقیات را تا سرحد کمال رعایت می نمود و عامل به آنها بود و یارنوازی را در حق شهید پورجعفری به سرحد نهایت خویش رسانید و عکس این قضیه نیز صادق است شهید پورجعفری نیز در مقابل این شهید بزرگوار خضوع و خشوع فراوان داشت. از آنجا که نامه شهید سلیمانی به شهید پورجعفری سطر سطر آن لحظه ای از حضور عشق و یار نوازی خالی نیست و ادبیات آن بسیار ساده و روان است. این پژوهش بر آن است که واژه های عاشقانه نامه و یار نوازی وی را که از مقوله ادبیات عاشقانه و از مکتوبات شهید سلیمانی است را برشمرد. سبهد شهید سلیمانی حق عظیمی برگردن ادب دوستان ایران اسلامی دارد و فرض است که در جای جای ادبیات سرزمینمان افکارش ثبت شود.. شیوه این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از شیوه کتابخانه ای استفاده شده است.

واژه های کلیدی: شهید سلیمانی، حسین، عزیز، شهادت، برادر، نامه



۱- مقدمه

درارزیابی افعال انسان مهمترین دستاورد و امید داشتن به زندگی، عشق محسوب می شود. پیوستن زمین و آسمان با رشته عشق و الفت است، عارفان برگزیده و واصلان راه حق گفته اند که یک ساعت گرمی عشق و خلوص ضمیر، از صد سال عبادت خشک سرد، برتر و بالاتر است. (همایی، ۱۰۷: ۱۳۷۳). و این همان سخن دیوتیما (Doutma) است که سقراط در رساله مهمانی افلاطون بدین وجه نقل کرده است: «عشق میانجی بین خدا و مردم است. به هنر اوست که جدایی میان خدا و آدمی از میان می رود و از برکت اوست که جهان هم به هم پیوسته است. سردار سلیمانی وجودی است که دوباره تکرار نخواهد شد. زوایای زندگی او و یارانش بی مثال، مدیریتش و تمامی جاذبه های خالصانه اش، برای همیشه در ذهن ها جاویدان است و در قلب تاریخ گواه، نه تنها در میهن عزیزمان ایران، بلکه سراسر این کره خاکی، جایی برای کند و کاو خواهد داشت. اصلی ترین بحثی که باعث نگارش این نوشته شده و در جای مسئله اصلی قرار گرفته است درحقیقت منش و برخورد و نوازش شهید سلیمانی با دوستان و یارانش و عامه مردم و خصوصا درنامه اش به شهید پورجعفری است و به عنوان پیشینه تحقیق لازم به ذکر است پیش از این، از شرح حال و روند زندگی سردار سلیمانی در کنار دوستانش، سخن های بسیار به میان آمده است و به گونه ای برجسته گفته شده است و اکثر قریب به اتفاق این آثار مربوط به مدیریت های وی در دوران زندگی می باشد و کمتر کسی پیرامون تحلیل نامه اش به یار با وفایش شهید پورجعفری پرداخته است. و ضرورت این امر را در این می دانم که این قبیل بیان احساسات مکتوب فراوان تکرار شود و نسل آینده برای نوشتن به عنوان کلید از آن استفاده نماید. روش این مقاله توصیفی-تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات از شیوه کتابخانه ای استفاده شده است.

۲- بحث

۱-۲- تعاریف

عشق: این واژه از اساس پارسی است و تازیان آنرا از واژه ایشکا (ishka)، (اوستایی، عشق، تمنادار اوستا ish: خواستن، تمنا کردن) و یا اشاک (ashak) (پهلوی: ish، راستی، درستی، مهر و محبت) برداشته اند و عاشق و معشوق و عشاق و معشوقه ساخته اند. البته خود تازیان برای این معنا از لفظ «حب» استفاده می کنند پس درست است که این واژه را اشک (eshg k) نوشته و بخوانیم همتایان این واژه را در پارسی مهر mahr، شیپ ship (پهلوی: بنکنش، شیفتن، عاشق شدن) دشارم dosharm (پهلوی: مهر، عشق، محبت، علاقه)، دشارمیه dosharmid (پهلوی: عشق، علاقه دشیکه doshakh (پهلوی: عشق، علاقه، دوستی) دشش doshesh (پهلوی: شرح عشق، عاشقی در پهلوی دشید، کامیه kamih (پهلوی: عشق، میل قلبی) شیفتهگی shiftegi، والگی valegi، شیدایی sheydayi، دلدادگی deldadegi، دوستدار



عشق: عشق آوردن و چیره گردیدن دوستی بر کسی (لغت نامه دهخدا) ، دوست داشتن به حد افراط، شیفتگی، دلدادگی و دوستی مفرط، به شدت دوست داشتن (فرهنگ معین)، دوست داشتن حد افراط (فرهنگ فارسی عمید)، محبت وقتی به آن حالت می رسد «عشق» نامیده می شود به یک حالتی که زمام فکر و اراده انسان را می گیرد و بر عقل و اراده تسلط پیدا می کند. لهذا حالتی می شود شبه جنون، یعنی عقل را دیگر در آن جا حکمی نیست. (دانشنامه اسلامی). اشتقاق عشق از عشقه است. آن گیاهی است که بر درخت پیچد و درخت را بی برو خشک و زرد گرداند.. (ستاری، ۱۳۷۵: ۶۳).

عشق را آدم شناخت و این ودیعه الهی را با ادراک پذیرفت و آن را در سه مرحله تجربه کرد.

مرحله اول: در این مرحله بعد از آن که مورد سجده قرار گرفت و متوجه شد که همه هستی به خاطر او به وجود آمده است و حتی خود خداوند نیز به دلیل خلقت او به خود تبریک می گوید : فتبارک الله احسن الخالقین (مومنون، ۲۳: ۱۴). به خود معطوف شد و به دنبال این که پی به وجود خود برد عاشق خویش شد به این ترتیب، او اولین مرحله عشق را تجربه کرد و به خود شیفتگی مبتلا شد.

مرحله دوم: در حال حاضر که ما به عنوان بشر در حال تجربه این مرحله هستیم ما در این مرحله از قابلیت دو گانه برخورداریم و قادریم هم عاشق خودمان باشیم و هم عشق چیزی که با کسی غیر از خود یعنی عشق خود و دیگری در نوسان هستیم تا اینکه بتوانیم به طور کامل این عشق را به خود معطوف کنیم و در اثر آن جلوه رحمانی یا بیم و از خود شیفتگی رهاشویم. نوزادی که در این دنیا پا به وجود می گذارد خود شیفته متولد می شود. در نتیجه همه علاقه او در رابطه با رفع نیاز هایش است و حتی اگر مادرش را را طلب می کند برای رفع گرسنگی است البته اگر احساس گرسنگی نبود او طالب مادر نمی شد و نمی توانست رشد کند و پس از بلوغ با کمال و تعالی خود را از خود شیفتگی برهاند.

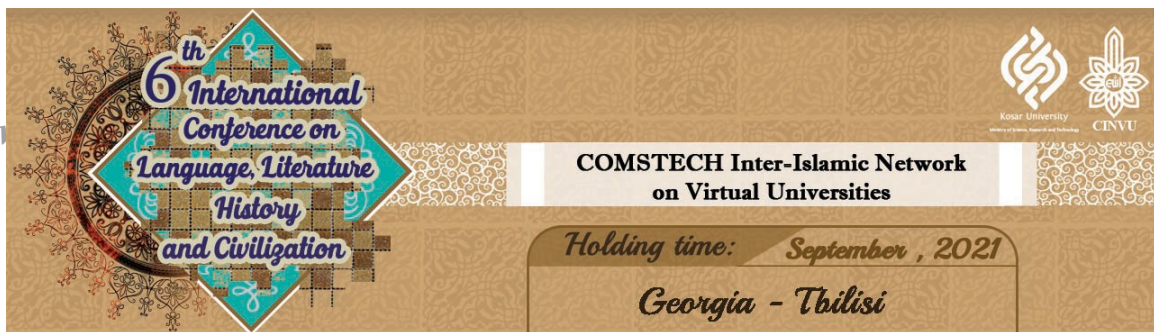
مرحله سوم: در این مرحله انسان به طور کامل عشق خود را معطوف به غیر خود می کند این مرحله که در آن عشق معطوف بیرون خواهد بود مرحله تجربه رحمانیت است. رحمانیت = عطف کامل به بیرون، عشق کامل = عشق پخته، خورشید در بخشنده گی نور رحمانیت کامل دارد بدون اینکه برایش مهم باشد به چه کسی می تابد عشق پخته این ویژگی را دارد.

عشق زمینی در رسیدن به مرحله ای از عشق که تجربه رحمانیت است نقش دارد. آنچه انسان را از خود شیفتگی که (مرحله اول عشق) است بیرون می کشد عشق به غیر خود است، انسان به واسطه این عامل از با دور شدن از خود، عشق خدا را می یابد و در حقیقت عشق به دیگری عاملی می شود تا به رهایی از خود شیفتگی دست یابد.

عاشقی گر زین سر و گر زان سر است عاقبت ها را بدان سر رهبر است

(مولوی، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

بدون کمال قوت عشق، انسان بودن انسان، میسر و امکان پذیر نمی باشد. (علوی، ۱۳۸۷: ۵۱)



۲-۲-انسان کامل

موضع انسان کامل از زمان ارسطو و افلاطون مطرح بوده است. ارسطو در آثار خود از انسان کامل به عنوان انسان بزرگوار یا انسان بزرگ منش یاد می کند و اساسی ترین شرط او را اشرافیت، حسب و نسب و اصالت خانوادگی می پندارد. اما نظر عرفا و متصوفه در زمینه انسان کامل، با فلاسفه تعارض آشکار دارد. انسان کامل، مقام شامخی از در سیر و سلوک عارفانه به بدست می آورد. عارف می خواهد از نردبان دنیای درون عروج می نماید و چنان وابستگی و شیفتگی به حق نشان می دهد که خویشتن را همچون منصور حلاج به انا الحق پیوند بزند و به جایی می رسد که آنچه دانشمند می داند، انسان کامل به کمک شاهباز عشق می بیند (تدین، ۱۳۷۲، ۳۶۹). مثال اعلا و نمونه عالی این انسان کامل شهید سلیمانی است که خود را برای دفاع از اسلام و کرامت انسانی فدا نمود. انسان وقتی که نفس خود را که عالم صغیر است بشناسد، به سایر موجودات که عالم کبیر مجموعه آنهاست نیز احاطه باید (زرین - کوب، ۱۳۸۱: ۵۴۶). شهید سلیمانی نفس خویش را به خوبی شناخت و یاران اطرافش را به خوبی تحت تاثیر خود قرار داد یکی از این یاران، شهید حاج حسین پور جعفری است که گنج اسرا سردار سلیمانی بود.

۲-۳-واژه های عاشقانه و یار نواز متن نامه شهید سلیمانی برای شهید پور جعفری

این واژگان عاشقانه به ترتیب سطور نامه نوشته شده اند.

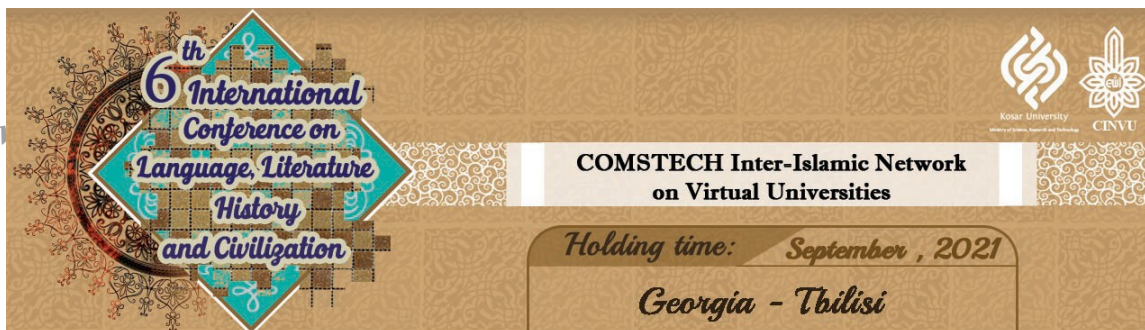
عزیز برادرم حسین، نفس تو پیوسته تنفسم بود، بارها حسب عادت صدایت کردم، بارها نگاه کردم جای خالی بود، خیلی دوست داشته ام، حسین عزیز، تونستی داشته ایی که حتی فرزندان و فرزندانم نداشته اند، نه تنها از جسمم مراقبت می کردی، مراقب روحم هم بودی، اصرا به استراحت و... پیش از احساس یک فرزند به پدرش بود، مراقبت کردی که تمام وقت من صرف اسلام و جهاد شود، اجازه ندادی بیهوده هدر رود، حسین عزیز، از لحاظ روحی گمشده ای دارم، طاقت نداشتم تورا از دست بدهم، نگران پشت سرم بودم نکند گلوله ای بخورد و تو شهید شوی ن داغدار تو شوم، حسن جان تو بی نظیری، در وفا، صداقت، اخلاص و کتمان سر، حسین، پسر، برادرم، دوستم، نشانه و نشانی من بود، حسین عزیز، حسین جان، حسین عزیز، برادر خویم، عزیز برادرم، چون پاره ای از وجودم بودی، تو آگاهی به همه اسرارم، درد عاهایت رهایم نکن، خدا حافظ، برادر خوب و عزیزم.

این واژه ها جزئی از احساس شهید سلیمانی نسبت به شهید پور جعفری بود که بر صفحه کاغذ نقش بسته اند ولی همه می دانند که عشق ورزیدن یک احساس درونی است که در هر انسانی متفاوت است و عمق این عشق ورزیدن و دوست داشتن را محکی و عیاری در محسوسات نیست و شهید سلیمانی خصوصیات اخلاقی خاصی داشت هیچ کس از وی به جز نیکی یاد نمی کند. به قول سعدی:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز
مرده آن است که نامش به نکویی نبرند

(سعدی، غزل ۲۰)

این نامه تراوش محبت قلبی است که از سویدای وجود سردار برسینه کاغذ نقش بسته است کلمات یکی پس از دیگری گرمی و حرارت خاص خود را دارد برای ذوب شدن دو عاشق و معشوق جملات بی گسستگی به دنبال هم



می آیند و هیچگونه بی تناسبی و بی مهری مشاهده نمی شود مصداق مثل (هرسخن کز دل برآید لاجرم بردل نشیند). نامه شهید سلیمانی نامه ایی است قلبی که همه نوع ابراز محبت کلامی در آن دیده می شود و این مجموعه در واقع بخش کوچکی از مهربانی سردار نسبت به یک شخصیت می باشد اگر از مردمان دیار مرد پرور کریمان، کرمان که بیشتر از دیگر دیار با وی آشنا بودند سوال شود با حسرت و سوز جگر جواب خواهند داد که مهربانی ایشان در نامه قطره ای از دریای محبت وجودی ایشان است.

۴-۲- بخش های نامه

۴-۲-۱- آغاز نامه

نامه طبق تمام نوشته ها با نام خداوند متعال آغاز می شود (بسم الله الرحمن الرحيم) یعنی کسب اجازه و ناظر دیدن خداوند بر تمامی اعمال و رفتار خویش. یعنی در بیان حتی احساسات، ای مهربان از زاویه دید تو همه چیز را می بینم و با زبان تو همه چیز را بر زبان جاری می سازم. که نفسانیات با نام تو پشت سر نهاده می شود. با حضور تو دلدادگی رد و بدل می شود.

۴-۲-۱- بخش اول: پیش نوازیها

پیش نوازی ها با جملاتی عاطفی آغاز می گردند مانند «عزیز برادرم». جامعه ایرانی به جهت ساختار خاصش برای هم خونان خود احترام خاصی قائل است و بعد از پدر و مادر رتبه و نقش اول را در خانه برادر ایفا می نماید و به همین جهت پایگاه شهید پورجعفری در محضر شهید سلیمانی چنان محکم است که در نامه اش ایشان را «عزیز برادر» خطاب می نماید و در گویش بعد با واژه دوستانه اسم کوچک «حسین» اظهار مهر می نماید و این هم بیانگر عواطف شدید قلبی است که کسی را بی پیرایه به اسم کوچک یاد کنند و مخاطب قرار دهند. همچنین واژگانی چون «نفس» و «نفس» بهترین کلمات وردی به عرصه سخن می باشند. که شهید سلیمانی از اعماق قلبش آنها را هدیه به شهید پورجعفری می نماید و ایشان را مورد یار نوازی قرار می دهد. و این است آغاز عشق دو طرفه عاشق به معشوق و معشوق به عاشق و اظهار معرفت قلبی.

بخش دوم: تنه اصلی نامه

۴-۲-۲- بن مایه های عاشقانه

در نامه شهید سلیمانی نشانه های عشق و دوستی و افکار صادقانه بسیار دیده می شود و این کنش ها، نامه را رونق و شکوه خاص بخشیده است زیرا در آن عشق و سادگی بیان، درهم می آمیزد. یکی از موتیف های رایج و پرتکرار این نامه بیان مهر و محبت فراوان در بیان است که این شهید عالیقدر به رشته تحریر در آورده است. شاهد مورد فوق جمله زیبای زیر است.

«حسین جان شهادت می دهم که سی سال با اخلاص و سلامت و پاکی و صداقت زندگی را فدای اسلام نمودی تویی نظیری، در وفا، صداقت، اخلاص، کتمان سر..»



حسین، پسر، برادر، دوستم، از خدا می خواهم عمر با برکت داشته باشی و...»
 در ظاهر نوشتار بسیار ساده می نمایاند ولی با تعمق در نامه در می یابیم که تمامیت دوستی سی سال در آن لبریز است و موج می زند با همین کلمات ساده و دوست داشتنی که برای عموم مخاطبین قابل درک است و در این بخش از نامه، سردار نصایحی به صورت مستقیم به شهید پورجعفری نموده است.

* حسین عزیز، سعی کن پیوسته تروتازه بودن روحیه جهادی را در هر حالتی در خودت حفظ کنی.
 * اجازه نده روز مرگی روزانه و دنیا یاد دوستان شهیدت را از یادت ببرد. چرا که فراموشی آنها فراموشی خدای سبحان است.

* حسین عزیز اجازه نده در هر شرایطی هیچ محبتی بر محبت خداوند سبحان و هیچ رضایتی بر رضایت خداوند سبحان غلبه کند.

* برادر خوبم اگر می خواهی دردمند نشوی، دردمند شو.

* در حقیقت خودت را به او بسپار و رضایتش را عین نعمت و لطف و محبت بدان.»

۳-۴-۲- عاقبت شهید پورجعفری در کلام شهید سلیمانی

- ۱- حسین جان شهادت می دهم که سی سال با اخلاص و پاک‌گی و صداقت زندگی را فدای اسلام کردی.
- ۲- از خداوند می خواهم عمری با برکت داشته باشی.
- ۳- حسینی که برای هر مجاهدی اعم از عراقی، سوری، لبنانی، افغانی و یمنی آشنا بود و از نشانه و نشانی من بود.
- ۴- حسین عزیز فقط قیامت است که حقیقت ارزش اعمال معلوم می شود چه زیباست آنوقتی که همه حیران و متحیرند و تو خوشحال و خندان.
- ۵- اجر این خستگی ها را آن وقت دریافت خواهی کرد که آن وقت که خانواده و وابستگان به تو نیازمندند و به تو توسل می جویند.
- ۶- خداوند اجر تو برادر خوبم را اجر شهید قرار دهد.
- ۷- به توقول می دهم که اگر رفتم. آبرو داشتم بدون تو وارد بهشت نشوم.

بخش سوم: پایان نامه

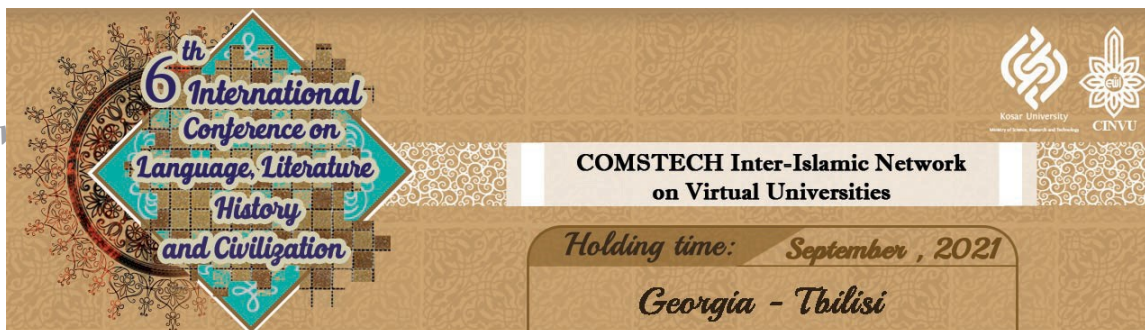
۴-۴-۲- تمنای سردار سلیمانی از شهید پورجعفری

حسین می دانی چه وضعی دارم. آگاهی برغم و اندوه درونم. می دانی چقدر به دعایت نیازمندم. خوب میدانی چقدر هراسناکم و ترس همه. جودم را فرا گرفته و لحظه ای رها یم نمی کند. اما نه ترس از دشمن و نه ترس از نداشتن و نه ترس از مقام و مکان و تو می دانی چون پاره ای از وجودم بودی. ترس من از رفتن است. تو آگاهی به همه اسرارم.

دعایم کن و در دعاهایت رهایم نکن و انشالله تو و خانواده مجاهد و صبورت همیشه موفق و موید باشید برادر خوب

برادرت قاسم سلیمانی

و عزیزم. خدا حافظ



سفر حلب ۹۵/۸/۱۰

۵-۴-۲- فرجام سردار سلیمانی و سردار پورجعفری

«به تو قول می دهم اگر رفتم و آبرو داشتم بدون تو وارد بهشت نشوم»

در راستای نقد این جمله، نگرش این مردان خلق کننده صحنه های ملی را می توان به فرجام زندگی صادقانه و عاشقانه به چاشنی شهادت دریافت و دید که خباث دشمن و ترسناکیشان منجر به شهادت این دو دوست وفا دار شد و این دو عزیز سرانجامشان به یک حماسه جهانی ختم شد. خداوند ایشان را در کمال عزت و حرمت در رکاب مولایشان سرور و سالار شهیدان اباعبدالله الحسین (ع) قرارداد و خود خریدارشان شد و در بهشت جاودان جایگاهشان داد و بهشت ایشان سرزمین قلوب مومنان و شیعیان است که همواره به یادشان می تپد و به خاطر ایشان برای همیشه درد مند است.


۳- تحلیل

جدول فراوانی استفاده از واژگان عاشقانه در متن نامه شهید سپهبد سلیمانی

تعداد سطرهای نامه	تعداد کلمات	تعداد جملات عاشقانه	بیشترین فراوانی
۶۱	۹۲۱	۳۷	حسین عزیز / برادرم

۳- نتیجه

این نامه به زبان بسیار ساده نوشته شده است که برای همگان قابل درک است و با خواندن اولین سطورش مخاطب به این نکته می رسد که شهید سلیمانی با موقعیتی که داشت فردی بسیار متواضع و فروتن بود و هیچگاه هوا و هوس پست و مقام، از فروتنی ایشان نکاست و فضایل اخلاقی در تک تک کلماتش هویدا بود. خصایل اخلاقی که دین مبین اسلام در رعایت آن مومنان را سفارش نموده است یکی از ویژگی های بارز وی بود. نامه ایشان از قسمت های ارزشمندی چون پیش نوازی ها، نصایحی به شهید پورجعفری، تنه اصلی نامه که بن مایه های عشق و ورزیدن به هم نوع در آن موج می زند و همچنین قدر دانی از زحمات سی ساله شهید پورجعفری و ترسیم جایگاه خویش و دعا برای وی و قسمت پایانی نامه هم از درخواست و تمنای دوست راز دار و وفا ییش تشکیل گردیده است. اگر وصیت نامه الهی- سیاسی شهید سلیمانی مورد نظر قرار بگیرد خواهید دید که سجایای اخلاقی وی در آن به مراتب پررنگ تر از نوشته های ایشان می باشد. تاثیر کلام وی چنان است که قلب هر خواننده ای را تسخیر می




6th International Conference on Language, Literature, History and Civilization

COMSTech Inter-Islamic Network on Virtual Universities

Holding time: September, 2021

Georgia - Tbilisi



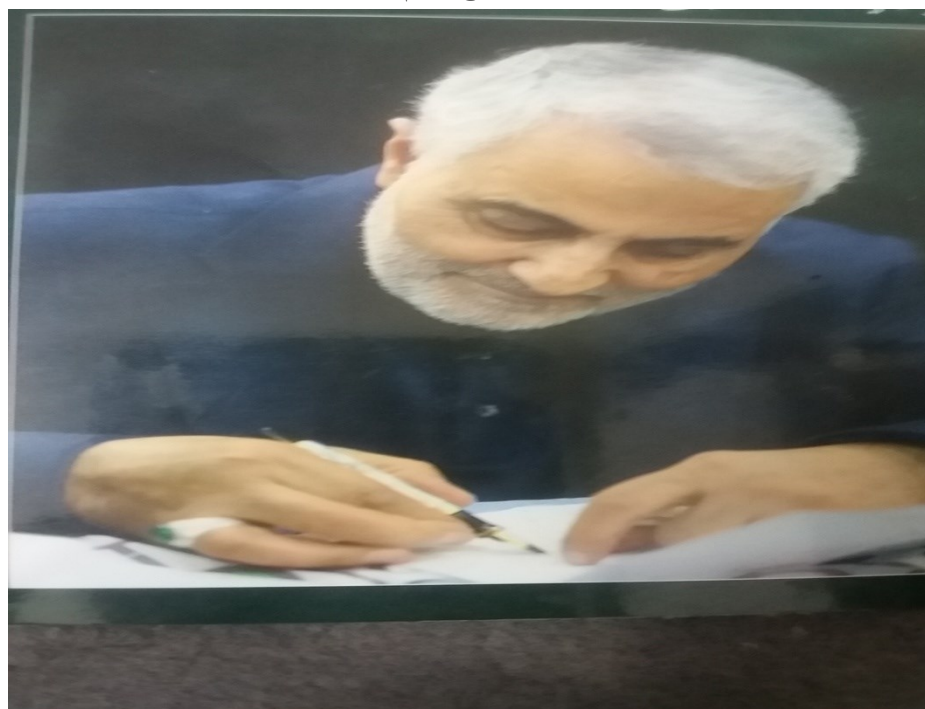
کند و وی را مجذوب خویش می نماید وی وجودی بود که پیکرش اجازه جایگزینی روحش را نداد.. خداوند خریدار جانش شد و در بهشت جاودان که آرزوی همیشگی ایشان بوده همراه یارانش جایش داد.

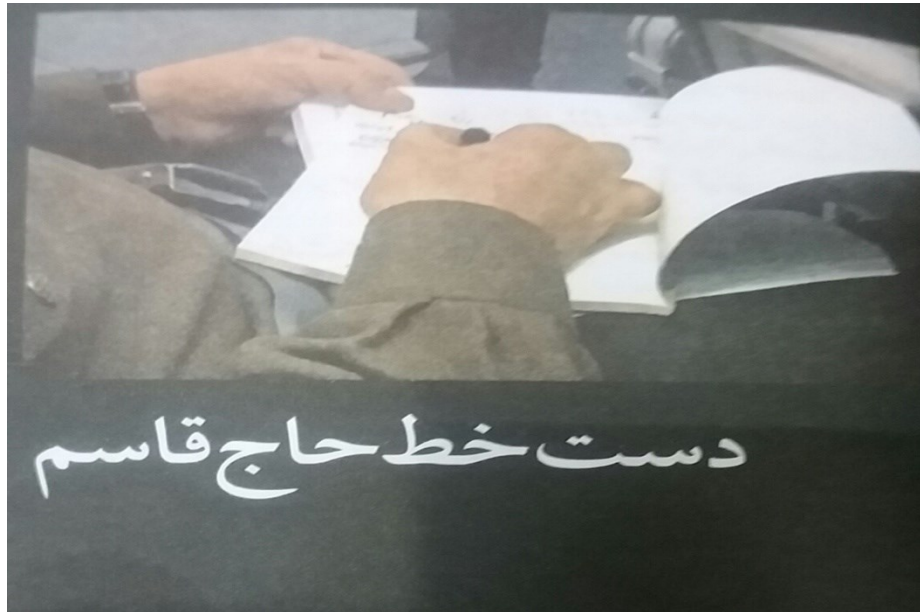
پیوست ها

تصویر حاج قاسم و یار راز دارش شهید پورجعفری

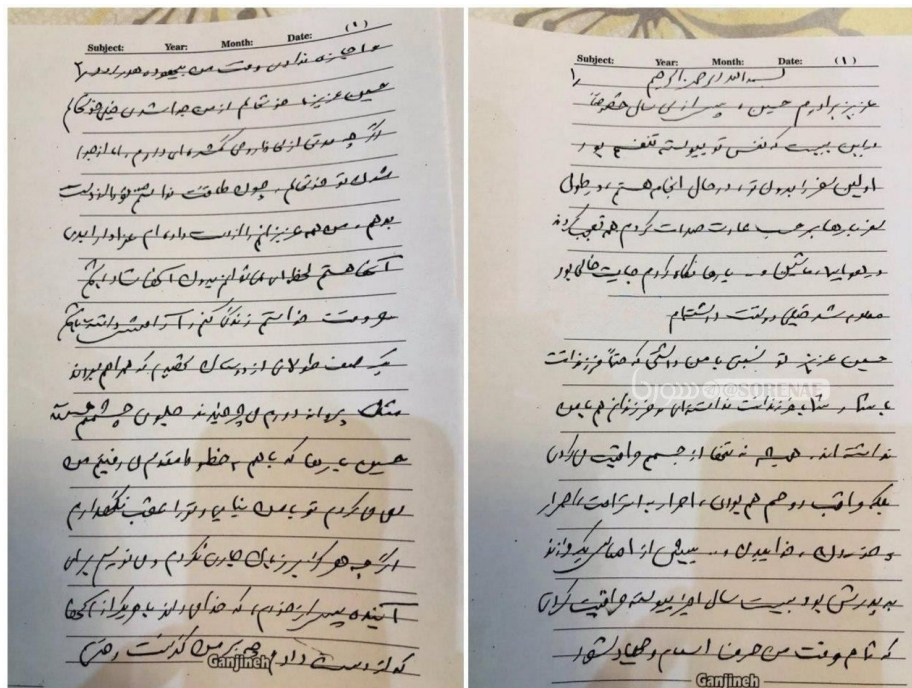


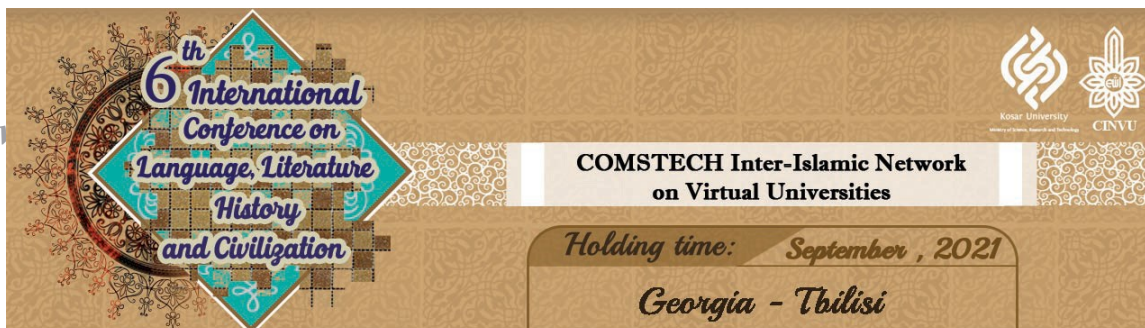
شهید سپهبد حاج قاسم سلیمانی





بخشی از نامه سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی به شهید حاج حسین پورجعفری





فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- اکبری مزد آبادی. (۱۳۹۸). ذوالفقار. تهران، یازهرا.
- ۴- اکبری مزد آبادی، علی. (۱۳۹۷) حاج. قاسم: جستاری در خاطرات حاج قاسم سلیمانی، چاپ اول، با زهرا
- ۵- تدین، عطاالله، مولانا و طوفان شمس، تهران: تهران
- ۶- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه. (۷۷۳۱). چاپ دوم، دانشگاه تهران.
- ۵- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۸۱). سرنی، جلد نهم: تهران، علمی.
- ۷- سلیمانی، حاج قاسم. (۱۳۹۸). میثاق نامه مکتب حاج قاسم (وصیت نامه الهی - سیاسی). موسسه حفظ و نشر آثار شهید سپهد قاسم سلیمانی.
- ۸- سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۴). قصه ارباب معرفت. چاپ ششم. تهران، سایه دهخدا.
- ۹- ستاری، جلال. (۱۳۷۵). عشق صوفیانه. چاپ اول. تهران: مرکز.
- ۱۰- سعدی، مصلح الدین. (۱۳۷۴). گلستان، چاپ سوم، تهران.
- ۱۱- صفا، ذبیح الله. (۱۳۸۴). حماسه سرایی در ایران، چاپ هفتم، تهران، امیر کبیر
- ۱۲- طاهر خانی، صغری. (۱۳۹۷). سردار همیشه قهرمان، تهران.
- ۱۳- علوی، حمیدرضا. (۱۳۸۷). تجلی تعلیم و تربیت در ادب فارسی. چاپ اول. کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- ۱۴- کرامتی، مرتضی. (۱۳۹۵). سربازان سردار، شجاعت ها در رشادتهای سردار حاج قاسم سلیمانی و شهدای مدافع حرم، تهران، سه نقطه.
- ۱۵- مهروان فر، ابوذر. (۱۳۹۷). برادر قاسم. تهران.
- ۱۶- مولوی. (۱۳۸۰). مثنوی معنوی، تصحیح رینولد تیکلسون، جلد چهارم، تهران، هرمس.
- ۱۷- همایی، جلال الدین. (۱۳۶۲). مولوی نامه، جلد اول، تهران، آگاه.